

ASL
108

Mushtahid in Mohamed Salah bin Jabal
Shamail-i-Nabwi (D. 979H) ^{Bukhari}
Page 11-119

ASL
109

Arabic Hadith with ~~under~~ Persian
translation
Page 3 to 38

ASL 110

Arabic both on pages
Page 11 to 82

معرفه بالقلب الخ این حدیث موضوع است یا ضعیف امام شوکانی در صفحه ۲۴۶ و
 در صفحه ۱۹۱ الوضوء علی الوضوء الخ در تخریج احیاء امام عراقی نوشته که اطلاع این
 حدیث نشده شوکانی صفحه ۹ و در صفحه ۲۲ من قال عند استماع المأذان الخ در فوائد المجموع
 فی الاحادیث الموضوعه امام شوکانی موضوع نوشته و در صفحه ۲۶ لا صلوة لبار المسجد الخ این حدیث
 عند البعض موضوع و عند البعض ضعیف بر حال صحیح نیست شوکانی صفحه ۱۵
 اینک نوشته شد مشتے از خروار است اللَّهُمَّ اغْفِرْ لْجَامِعِهِ وَلِقَارِئِهِ
 وَلِحَافِظِهِ وَلِمَنْ كَلَّمَ حَقُّ عَلَيْنَا وَآخِرُ دَعْوَانَا اِنَّ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ

الْحَدِيثُ الْأَوَّلُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عُمَرَ بْنِ

الخطاب رضی الله عنه قال سمعت رسول الله صلى

الله تعالى عليه وآله وسلم يقول إنما الأعمال بالنية

وإنما لكل امرئ ما نوى فمن كانت هجرته إلى الله ورسوله

و هجرته إلى الله ورسوله و هجرته إلى الله ورسوله

۲
 مدبر اعمال نیک نیت
 است اگر نیتش خالص باشد
 زیاده براری و ضایع
 جوئی ضایع است باشد و یا
 اگر نیتش کامل است
 اگر قصدی در نیت باشد
 نیت و غیره است باشد
 اگر نیتش با نیت
 ۳
 نیت نیت با نیت
 نکال و وبال اخذ است
 نیت با نیت است
 در اعمال نیت را
 خالص کند نیت را
 جز آنکه نیت را
 شود ۱۷

۱۵۹

ایضا را که در
است

۲

مُحَمَّدٌ هَاجَرَ إِلَى دُنْيَا

پس بگرفت اولهوی خدا و رسول او است و کسیکه باشد بگرفت اولهوی دنیا

يَصِيدُهَا أَوْ امْرَأَةً يَتَخَهَا هَاجَرَ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ رَوَاهُ

برسد آنرا یا زن که نکاح کند او را پس بگرفت اولهوی آن چیز است که بگرفت کراهی بگرفت دی و دین را این

إِمَامُ الْمُحَدِّثِينَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ إسماعِيلَ

حدیث را امام محدثین ابو عبد الله محمد بن اسماعیل

الْبُخَارِيُّ وَأَبُو الْحَسَنِ مُسْلِمُ بْنُ الْحَجَّاجِ بْنِ مُسْلِمٍ

بخاری و ابو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم

الْقَشِيرِيُّ النَّبِيُّ أَبُو رِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُمَا فِي

قشیری نبی ابو ریه رضی الله تعالی عنهما در در

مَجْمَعِهِمَا الَّذِي نَزَّاهَا أَحَدُ الْكُتُبِ الْمَصْنُفَةِ الْحَدِيثِ

کتاب صحیح خود که این هر دو کتاب صحیحترین کتابهای تصنیف شده اند در حدیث قدرت

الثَّانِي عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبْدِ اللَّهِ تَعَالَى عَنْهُ أَيْضًا قَالَ بَيْنَا

دوم روایت شده از عم رضی الله تعالی عنه گفت در عالمی که

كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ

نشسته بودیم مابین نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم یک روز

ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدٌ بَيَاضِ الثَّوْبِ

که نامان وار و شد بر ما شخصی که بسیار سفید بود و تیره بود

شَدِيدٌ يَدِ سَوَادٍ الشَّعْرَ لَا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ وَلَا يَعْرِفُهُ

و خوب سیاه بود موهایش را دیده نمی شد بر روی علامت سفر و نمی شناخت ویرا

مِنَّا أَحَدٌ حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ

از ما یان کسی تا آنکه نشست آن شخص نزد پیغمبر صلی الله تعالی علیه و آله

وَسَلَّمَ فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ

و سلم پس ایست کرد و زانوهای خود را بر زانوهای آنحضرت و نهاد بر دو کف دست را بر دو رانهای ایشان

وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ

و گفتم ای محمد خبر کن مرا از اسلام پس فرمود رسول الله

صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ

صلی الله تعالی علیه و آله و سلم اسلام این است که گواهی باینکه

أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ

نیت هیچ معبود و بجز خدا و آنکه محمد

تَقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ

برپا نگاری نماز را و بدهی زکوة را و روزه داری رمضان را

این سخن چنانچه در حدیث دیگر از انس را در غیره صحیح است

فصل

الحمد لله الذي هدانا لهذا

مطلقاً و بطریق دیگر

امام حسن و علی بن ابی طالب

الحمد لله الذي جعلنا من
العلماء والفقهاء

انجمن تجار و بازرگانان

الْحَفَاةُ الْعُرَاةُ الْعَالَةُ رِعَاءُ الشَّارِبِ تَطَاوُلُوْنَ فِي الْبُنْيَانِ

پارہنگان محتاجان

چرا زندگان گوسفند را که فخر و تکبر کنند در پیش ختن عمارت

ثُمَّ أَنْطَلَقَ فَلَبِثْتُ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ يَا عَمْرُو اتَّذَرِ مِنَ الْمَسَائِلِ قُلْتُ

پس از آن رفت آن شخص پس درنگ کرد ساعتی دراز پس از آن فرمود آنحضرت: ای عمر آیا میدانی کدام شخص بود این

اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ فَإِنَّ جَبْرِيلَ أَنَا كُمْ يَعْلَمُكُمْ

خداستعالی در رسول او دانایان را بدین فرمود بدستی این شخص جبرئیل بود آمده بود بشما تا بیا سوز و بشما باین طریق

دِينَكُمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ الْحَدِيثُ الثَّالِثُ عَنْ أَبِي عَبْدِ

دین شماره را روایت کرد این را سلم حدیث سوم روایت از پدر عبد الرحمن

الرَّحْمَنُ بِرَبِّهِ الْخَطَايَا خَيْرُ اللَّهِ عَنْهَا قَالَ سَمِعْتُ

پسر عمر بن الخطاب رضی اللہ تعالیٰ عنہما کہ گفت سنیدم

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ بَنِي

رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم را که میفرمود و بنا کرده شد است

إِسْلَامٌ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ

اسلام پر پہنچنے کے ازان گواہی دین پر ان کی نیت میں یہ معبود علیہ ازلہ امتحان و بدرستی

مُحَمَّدًا عَبْدًا وَرَسُولَهُ وَأَقَامُ الصَّلَاةَ وَآتَا

محمد بنده وی و فرستاده وی است دوم از آن را که گردن نماز است سوم دادان

بطل است. هیچ کس مال و دولت مردمان گنیزان بسیار
که از گنیزان یاد مالک گنیز است. «التم به چنین
طوری گفت اندکافی اشرح»

بسیار مال و دولت شوند چنانکه در شکوه
ایران یکسره دارا دل صاحب
دور آخر این حدیث ابوابیت متفق علیها ازین
آیه ظاهر چنین آورده که معنی پادشاهان
نشان آن سلطان را

الکرام مکرمه رساله
مدولت و سلطنت و حاکمیت
بادشاهان زمین و آسمان
نورین کمال

میں نوید دوزی اور اوجھل اور اے عمر اور اعلیٰ اور اے ازلیک و بدو این را کہ بد بخت است

[illegible][illegible]

أَوْ سَعِيدٌ فَأَمَّا الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ إِذَا حَدَّكَ ثُمَّ لِيَعْمَلْ يَعْجَلْ

پس سو گند جان ذات پاک کمیزت سپهر عبودیت از دوس بدرستی یکے از شمار آئینه عمل میکنند بعمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اهل الجنة حتى ما يكون بين وبينها الا ذراع فليسبق
 ذلهم الى الجنة

تا آنکه منی باشد در میان وی و در میان جنت مگر بقدر یک گز پس در اینجا آن منی میکند

عَلَى الْكِتَابِ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ فَيَدْخُلُهَا وَإِنْ لَحِقَ

پس می درآید در دوزخ و بدستی یکی از شما

لَبِيعًا بَعًا أَهْلَ النَّارِ حَتَّىٰ مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا

تا آنکه بماند میان وی و میان دوزخ

ذَرَأَعٌ فَيَسَّوُ عَلَى الْكِتَابِ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ

در اعراف و یسین علیک السلام من زین العابدین

بقدریک گزینش در اینحال سبقت میکند بعد از سر زدنش اول پس عمل میکند بعل ایل بهشت

فَاَخْلَصَارَوَاهُ الْخَارِيُّ وَمَسِلِمُ الْحَدِيثِ الْخَامِ

فیدخلها رواه البخاری ومسلم

پس سید را دید در بهشت روایت کرد این حدیث را بخاری و مسلم
عَبْدُ الْمُؤْمِنِ (ع) أَمَّ عَبْدُ اللَّهِ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى

عن امر المؤمنين ام عبد الله عائشة رضي الله تعالى عنها

بروایت مستان مادر یونان مادر عبد الله عائشه صدیقہ رضی اللہ تعالیٰ عنہا

عنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

عنها كقفت له فرسود رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ

سید نوید اگر در کار دین که این دین اسلام است آنچیز میرا که نیست از دین پس آنچیز مردود و باطل است رو

الْبَخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ مِنْ

ابجاری و مسلم روی روایای مسکویه
در کتب و است رای سلم چنین آمده است که عمل کسب

کرد این را بخاری و سلم و در یکد وایت برای سلم چنین آمده است سید

دایم

اجزاء دلائل درستی درستی معنی نذر نذر بعض

بسم الله الرحمن الرحيم

پیش کی مشرق

لا شوقیاسم یستودارنوی

لائی راجہ کے لئے حاجت بسوال نہایت ہنس

و اما در این کتاب که در این باب است
درین زمان از خشت باطن خود بر سر
مناقصان با هویمان در عصمت مال
تجلا ف علم که خلق بمل دارد و لهذا
در شهادت خلق بر بیان دارد نه بدل
از آنکه حجتی باشد در آن فرموده نه بیل
دل نگیرد عصمت مال بیل
بشهادتین در نظام خود را
میشود یکی آنکه در نظام خود را
از این کتاب که در این باب است
حاجت خود را

[illegible][illegible]

فَعَلُوا ذَلِكَ عَصْمُوا مِنِّي دِمَائِهِمْ وَأَمْوَالَهُمْ

کردند ایشان این کار را نگهداشتند از من خونهای خود و مالهای خود را

الْأَحَقُّ الْإِسْلَامِ وَحَسَانُهُمْ عَلَى اللَّهِ رَوَاهُ الْجُنَّارِيُّ

مگر بحق اسلام و حساب ایشان بر خداست رویت کرد این را بخاری

وَمُسْلِمُ الْحَدِيثِ الثَّاسِعُ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ

مسلم حدیث ہشتم روایت است از امیر یہ عبد الرحمان

ابن حجر رضى الله تعالى عنه قال سمعت رسول

پس صخر رضی اللہ تعالیٰ عنہ کہ گفت شنیدم رسول

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

الله صلواته تعالى عليه وآله وسلم را میفرماید

مَا نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَاجْتَنِبُوهُ وَمَا أُمِرْتُكُمْ بِهِ فَافْعَلُوا

آنچه منع کردم شمار ازان پس احتراز کنند ازان و آنچه امر کردم شمار ازان پس عمل کنند

مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ

از ان آنچه بتوانید پس جبراین نیست که هلاک کرد کسان را که یقین از شما بودند

کثرت مسایلهم واختلافهم علی انبیائهم رواه

پس سؤالهای ایشان یعنی در دین ایجابی جت و ضرورت و اخلاف ایشان بر پیمبران خود جها و عباد

البخاري ومسلم الحديث العاشر عن ابي هريرة

بخاری و مسلم حدیث دهم روایت است از ابی

رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

رضی اللہ تعالیٰ عنہ کہ لکھت فرمود رسول اللہ

[illegible]

۱۵ می پرسیدند و اتعشه ده بایه اگر گفتند و اتعشه

بیتا را این "مجلس عبادات"

السم تعالی

یعنی انرا ایسے فنود خداے تعالیٰ یعنی معینہ انرا کامی پھیران

وکنید کار نکین را و فرمود خدا تعالی یعنی مونس را ای کسانیک

ایمان آورده اید حوزید از حلال آنچه روزی داده ایم شمارا پس از آن ذکر کرد

انگیزت این شخص را که دراز کند سفر را باشد و تولید می خاک آلوده دراز میکنند هر دوست خود بطرف

آسمان و مکه و ای پیر و گار من ای پیر و گار من حال که باشد خور و نش حرام و آشامیدن حرام

و حال آنکه باشد پوشش حرام دیرورده نموده مجرام پس چگونه قبول خواهد شد دعای برای

این بخش روایت کرده است که در این حدیث

روایت است از ابی حمزه امام حسن مجتبی علیه السلام

در فی حدیث

[illegible]

بِقَوْلِهِ مَا دَقَّ الصَّوْقُ
النَّاسُ زَالِ الصَّافِ الْمَاءُ
لَهُ

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

رسول خدا صلی الله تعالی علیه و آله وسلم

وَرِجَانُهُ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُمَا قَالَ حَفِظْتُ مِنْ

دو ریز در آست جان و سه راضی الله تعالی عنهما گفت یاد کردم از

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دَعَا

رسول الله صلی الله تعالی علیه و آله و سلم این را اگر بگذارد ترک کن

مَا يَرْيَبُكَ إِلَى مَا لَا يَرْيَبُكَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَ

آن چیزی را که در شک اندازد ترا و قصد کن بآن چیزی که در شک نیاندازد ترا و روایت کرد این را ترمذی و

التَّنَائِيُّ وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ

نمای گفت ترمذی که این حدیث حسن است صحیح است

الْحَدِيثُ الثَّانِي عَشَرَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ

حدیث دوازدهم روایت است از ابی هریره رضی الله

تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى

تعالی عنه گفت فرمود رسول الله صلی الله تعالی

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ حُسْنِ إِسْلَامٍ الْمَرْءُ تَرَكَهُ مَا

علیه و آله وسلم از خوبی اسلام شخص ترک کردن و بست آن چیزی را که

لَا يَعْنِيهِ حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَغَيْرُهُ

نایده نرساند ویرا این حدیث حسن است روایت کرده این را ترمذی و غیره

الْحَدِيثُ الثَّالِثُ عَشَرَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ النَّسَبِيِّ

حدیث سیزدهم روایت است از ابی حمزه النسبی

این حدیث را در آن شکل
از این حدیث در بعضی اوقات
بگویند چنانچه یازدهم حدیث
جیلانی است که در بعضی اوقات
علماء بگویند آن پروردگار است و از آن
سهم نموده اند و چون کفر و تجوید نکاح علم
داده اند مستند بدلائل اربعه در نزد متنبین
بیم و دلی نیست بجز نقلیه ابی خود و در
در فتوح الغیب و غنیه انان پس بگویند
بحدیث ابی هریره که در حدیث خود غوث الاعظم
در حدیث خود آورده و حدیث خود را در حدیث
در حدیث خود آورده و حدیث خود را در حدیث
نقل نموده و در حدیث خود آورده
از این حدیث در بعضی اوقات
بگویند چنانچه یازدهم حدیث
جیلانی است که در بعضی اوقات
علماء بگویند آن پروردگار است و از آن
سهم نموده اند و چون کفر و تجوید نکاح علم
داده اند مستند بدلائل اربعه در نزد متنبین
بیم و دلی نیست بجز نقلیه ابی خود و در
در فتوح الغیب و غنیه انان پس بگویند
بحدیث ابی هریره که در حدیث خود غوث الاعظم
در حدیث خود آورده و حدیث خود را در حدیث
در حدیث خود آورده و حدیث خود را در حدیث

لا تترك
 ان سبب است این کمال باطن است و تائید
 حضرت صلی الله علیه و آله و سلم از آن جمله دارد
 ایمان نمودن
 از حدیث معلوم شد
 گفتن سخن غیر گفتن و با
 خاموشی نمودن ایمان
 اسان به همسایه دهان

رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى

رضی الله تعالی عنه که در روایت کرد از رسول الله صلی الله تعالی

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

علیه و آله و سلم که فرمود کسی که ایمان میدارد بخدا تعالی و روز قیامت

فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ

پس باید که بگوید سخن نیک و یا خاموش شود و کسی که ایمان میدارد بخدا تعالی و

الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ جَارَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ

و روز قیامت پس باید که بزرگ دارد همسایه خود را و کسی که ایمان می دارد بخدا تعالی و

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَ

و روز قیامت پس باید که گرامی دارد مهمان خود را روایت کرد این را بخاری و

مُسْلِمٌ الْحَدِيثُ الثَّانِي عَشَرَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

مسلم حدیث شانزدهم و روایت است از ابی هریره

رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ

رضی الله تعالی عنه که بدرستی گفت مر سبیح را صلی الله

تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَوْصِنِي قَالَ لَا تَغْضَبْ

تعالی علیه و آله و سلم که نصیحت کن مرا فرمود آنحضرت بوی که غصه کن

فَرَدَّدَ مَرَارًا قَالَ لَا تَغْضَبْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ الْحَدِيثُ

پس مکرر کرد آن شخص چند بار آنرا فرمود آنحضرت در جوابش که غصه کن روایت کرد این را بخاری حدیث

الْعَشْرَاءُ عَشَرَ عَنْ أَبِي يَعْلَى شَدَّادِ بْنِ

هفت دهم روایت است از ابی یعلی شداد بن

بافت که در شکوه بزرگ است آن غضب
 ابی داود و ترمذی و مسند احمد و مسند ابی یوسف
 من الشیطان تحقیق قصه از شیطان
 ست و چون از غصه آخر از کردار شیطان
 نجات یافت و احادیث مقدس در این
 ظاهر در حدیث غصه کردن بسیار آمده
 اختلاف است در اینک آن شخص که بد
 بعضی گویند عاصی بن قدامه بود و بعضی
 گویند عاصی بن عمر و کندی از شجره
 نام ام القحطی

قلمهای تقدیر از نوشتن و خشک شدن نامهای تقدیر یعنی محفوظ اند از تغییر و دست کردن این را از منی و گفت

که این حدیث حسن است و بدایت عزیز
ترندی چنین آمده که نگمدارد در هر کار

جانب خدا را تا که بیای و بر ما حاضر پیش روی خود آشنای کن با خدا متعالی در فراخی و سعادت ما آشنای کند و

سخنی و مستقیم و بدان یقین که البته آنچه خطا کرده است ترا در سیده بتو برانگیزسد و بتو

آنچه رسیده است ترا نبود آنیک خطائی کرد ترا مه و بدان بیقین که البته مستحق طعنه با

صبر است و بدرستی خوشی و خورمی با غم و الم است و بدرستی با سختی آسانی است

حدیث بیستم روایت است ابی سعید عقبہ پر

عمر و الضاری بدری یعنی در جنگ بدر حاضر بود رضی اللہ تعالیٰ عنہ

کہ گفت فرمود رسول اللہ ﷺ تعالیٰ علیہ وآلہ وسلم

کبرستی از آنچه یافتند مردم از کلام چمنبری اول این کلام است

در این حال

[Faint handwritten notes at the bottom of the page]

بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت

بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت
بسیار جادو است و در وقت غایت

تَسْتَحْي فَاَصْنَع مَا شِئْتُ رَوَاهُ الْجَارِي الْحَدِيثُ

حسانداری له پس بکن آنچه خواست

لِلْحَادِي وَالْعَشْرُونَ عَنْ ابْنِ عَسْرٍ قِيلَ ابْنِ

بیت و یکم روایت است از ابی عمرو گفته شد

عَمْرَةَ سَفِيَّانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الثَّقَفِيِّ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ

عمره سفیان بن عبد الله الثقفی رضی الله تعالی عنه

قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قُلْ لِي فِي الْإِسْلَامِ قَوْلًا لَا أَسْأَلُ

گفتم و گفتی رسول خدا بفرما مراد اسلام یک سخن کافی که سوال نکنم

عَنْهُ لِحَدِّ غَيْرِكَ قَالَ قُلْ أَمَنْتُ بِاللَّهِ ثُمَّ

از آن آیه که ساعیر از تو فرمود بگو ایمان آوردم بخدا تعالی پس اذان

أَسْتَقِمُّ رَوَاهُ مُسْلِمٌ الْحَدِيثُ الثَّانِي وَالْعَشْرُونَ

استقامت کن بران روایت کرد این را مسلم حدیث

عَنْ ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ

روایت است از ابی عبد الله جابر بن عبد الله انصاری رضی

اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُمَا أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

الله تعالی عنهما که بد رستی شخصی سوال کرد رسول الله صلی الله

تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ أَرَأَيْتَ إِذَا صَلَّيْتَ امْكُتُبَا

تعالی علیه و السلام گفت بآن حضرت خبر کن مرا باینکه چون گذارم نمازهای فرض را

وَصُمْتُ رَمَضَانَ وَأَحَلَّتْ الْحَلَالُ وَحَرَّمَتْ الْحَرَامُ

در روزه دادم ماه رمضان را و حلال کردم چیزهای حلال را و حرام کردم چیزهای حرام را

وَصُمْتُ رَمَضَانَ وَأَحَلَّتْ الْحَلَالُ وَحَرَّمَتْ الْحَرَامُ

وَصُمْتُ رَمَضَانَ وَأَحَلَّتْ الْحَلَالُ وَحَرَّمَتْ الْحَرَامُ

وَصُمْتُ رَمَضَانَ وَأَحَلَّتْ الْحَلَالُ وَحَرَّمَتْ الْحَرَامُ

در این ترجمه و تفسیر

یا بلال کهنه است از اروپیت لرد این را مسلم حدیث هیت و چهارم

روایت است از ابی ذر رضی اللہ تعالیٰ عنہ کہ روایت کرد از پیغمبر خدا صلی اللہ تعالیٰ

علہ وآلہ وسلم در آنجہ روست میگرد و آنحضرت آنرا از خدا متعالی که نزدیک و جلیل است انکه بدرستی وی

مقاله فرمود ای هندگان من هر آنکه من حرام کردم ظلم را علیه

کردانیدم آنرا در میان شما حرام کرده بشنیده پس علم کنید شما در میان خود بر بنده گیری ای بنده گان من همه شما کرامت دارید

مگر کسی اکبر را نمودم من ویراپس رهنمای خودمیدارم شمارا اے بنده گان من همیشه شما

کرسنہ اند یعنی محبانہ دین و سن حاجات شمار اے براہِ مگر کسک طعام دادہ امن و سزا الہ طعام خواہید امن

فَلَمْ يَخْرُجْ إِلَّا مِنْ لِسْوَيْهِ فَاَسْتَسْوِي السَّلَامُ بِإِجْبَادٍ

[illegible]

بدستی سما خط کاری سبب و رور
دس کے امور رم

وَأَمَّا الْفُلُ فَأَنزَلْنَاهُ ذِكْرًا لِّعِبَادِنَا إِنَّهُ لَكَنَافُوسٌ كَافِرٌ

مقام خلافت
دریافت
شماره ۱۰۰
دریافت
شماره ۱۰۰
دریافت
شماره ۱۰۰

[illegible]

لایق دگر
 شد که عالم خواه
 حیدر راه یابی از رحمت او است و همچنان
 طعام و لباس و کفش گنایان از فضل او
 اگر بپایست خواهد یا مغفرت یا مواش دنیا
 هر یک را پیش یک خدا بخاهد که هر بنده بدین
 دیگر محتاج است و دی غنی است از ایشان
 کما قال تبارک و تعالی و امر الغنی و انفق
 الفقراء ان یشعروا عن العالمین
 در بخندند و عالم یک جا شوند و از فضل
 نمود که اگر تمام عالم یک جا شوند و از فضل
 تعالی نتوانند رسید و از هر یک از این
 مانند جبل یا همچو علیها الصلوة و زیاده شود
 شوند و در باو شایسته و در شرف و قدرت و
 و اگر تمام عالم یک جا شوند و از فضل
 در باو شایسته و در شرف و قدرت و
 توانای و عظمت و کبریا و در شرف و قدرت و
 و صلوات عالم یک جا شوند و از فضل
 محتاج نیست و اگر تمام عالم یک جا شوند
 در کثرت معین هر چه از این
 و بی فواید

صالحی قال قال ان الله لا یغفر ان الشریک و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء و انما هم قوم بدو استغفار می بخشد از نجسیت فرموده ما استغفر و فی ۱۲

لا نفس باده بیدی با وجود امان
 جنت اقامت آن بندگان
 بیخبران و کما بهاد بیان شانی
 ایشان متشکل آن نکرد پس
 هم و بر باشد نه که دیگر او درینجا
 نکته دیگر هم هست در این دنیا
 نیست تر
 بوی تها ادا باشد
 اغنیایا که به لب
 و غم دنیا صدقات مالی است
 ۲۲
 انقل از اسنادات شیخ
 و تکیه و تکیه بر بنده و زور
 رخاکی است ۱۲
 از شاست نفس بنده بر سر و غمت
 افضل خدا چنانچه پیوسته با صاحب
 چنانچه نفس است و اما صاحب
 سبب من نفک و اما صاحب
 عیب و کسب است و بگوید
 عیب

وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

یافت غیر آن را یعنی عمل به و جزای بد را پس ملامت نکند مگر نفس خود را له روایت کرد این را مسلم

لِلْحَدِيثِ الْخَامِسِ وَالْعِشْرُونَ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ

حدیث بیست و پنجم روایت است از ابی ذر رضی

اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ أَنَّ أَنَسًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى

الله تعالی عنه اینک بدستی بعضی مردم از اصحاب رسول الله صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالُوا لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ

الله علیه وآله وسلم که فقرا بودند گفتند مریمیمبر صلی

وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالْأَجُورِ

وآله وسلم را ای رسول خدا رفتند صاحبان مال دنیا با جرمای بسیار

يَصْلُونَ كَمَا نُصَلِّي وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ وَيَتَصَدَّقُونَ

زیرا که نماز میگزاردند ایشان چنانکه ما میگزاردیم روزه میدادند ایشان چنانکه ما میدادیم و صدقه میدادند ایشان

بِفَضُولِ مَوَالِهِمْ قَالَ وَلَيْسَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَتَاعًا

زیاده مالهای خود یعنی ما بسبب فقر و تنگدستی آن نداریم فرمود آنحضرت آیا نیست اینک بدستی گردانیده است خدا را

بِهِ إِنْ بَكِلَ تَبِيحَةَ صَدَقَةٍ وَكُلُّ تَكْبِيرَةِ صَدَقَةٍ وَكُلُّ

آن دان این است که بدستی بهر کلمه سبحان الله گفتن ثواب یک صدقه است و هر الله اگر گفتن یک صدقه است و هر

تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٍ وَكُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٍ وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ

الحمد لله گفتن یک صدقه است و هر لا اله الا الله گفتن یک صدقه است و امر کردن بکار نیک

صَدَقَةٍ وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَفِي بَضْعٍ لِحَدِّكُمْ

یک صدقه است و منع کردن از کار بد یک صدقه است و در جماع کردن یک از شما

راوی حدیث است

صَدَقَةٌ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيَا نِي أَحَدُ نَا شَهْوَتِهِ وَ

یک صدقه است گفتند صحابه یا رسول الله آیا نی یکی از ما بمشکوه خود براسه دفع شهوت خود و

يَكُونُ لَهُ فِيهَا أَجْرٌ قَالَ أَرَأَيْتُمْ لَوْ وَضَعَهَا فِي حَرَامٍ

میباشد و برادرین کار اجر و ثواب فرمود حضرت خنیزر سید مراد اگر نهاد آن شخص الت حذرا در حرام

أَكَانَ عَلَيْهِ وَزُرُفَكَ ذَلِكْ إِذَا وَضَعَهَا فِي الْحَلَالِ كَانَ

آیا باشد بروی گناه گفتند آری فرمود پس هم چنین و فتیک نهاد الت خود را در فرج مشکوه طلال باشد

لَهُ أَجْرٌ وَ أَهْ مُسْلِمٌ الْحَدِيثُ السَّادِسُ وَالْعَشْرُونَ

و برادر و ثواب روایت کرد این را سلم حدیث بیست و ششم

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ

روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه که گفت فرمود رسول

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كُلُّ سَلَامٍ مِنْ

الله صلی الله تعالی علیه و آله و سلم هر بندی از بند های اعضای بدن

النَّاسِ عَلَيْكَ صَدَقَةٌ كُلُّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ تَعْدِلُ

از مردم بروی است یک صدقه هر روز یکبار برآید در آن روز آفتاب از جمله آن صدقات این است که

بَيْنَ اثْنَيْنِ صَدَقَةٌ وَتُعِينُ الرَّجُلُ فِي دَأْبَتِهِ فَحِمْلُهُ

در میان دو نفر این هم صدقه است و اینکه مددگنی با شخص در طاری با کسی وی پس سوار کنی و برادر

عَلَيْهَا أَوْ تَرَفَعُ لَهُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ وَالْكَلِمَةُ

بر آن دایه یا برداری براسه آن شخص بر آن دایه حساب و برادر این هم صدقه است و سخن

الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ وَبِكُلِّ خُطْوَةٍ تَمْشِيهَا إِلَى الصَّلَاةِ

خوش گفتن که دایه صدقه است و هر قدمی که میرود بآن قدم سوئے نماز

صندوق داران و گویا این صدقه است
بند ۱۲
بین شکار از محبت طاعت
فرموده وی یکی صدقه است
از او فرستاد آن سید و شصت
و بدین اشان سید و شصت
نهیست سید و شصت صدقه
می شود هر روز و شب غنای او و گنای
از او ای آن سید
۱۵
اهمیت آن اشان را این که در گناه
و تمسید و تمسید و تمسید و تمسید
دلی شکر را بجای یک صدقه
از داده قل بفضل الله
بسمه فذلک فیما جوامع
یا یلمحون
این همه اعمال و ثواب صدقات
دارند و به طاعت و بندگی خود
چهار نفر دیگر بازن اینی را کرد

[illegible]

این هم صدقه است دایم در کنی حس و عاشاک و غار از راه
این هم صدقه است رویت کرد این را

بخاری و مسلم حدیث بیت و مفسر

روایت است از نواس پسر سمعان رضی اللہ تعالیٰ عنہ کہ دی روایت کرد از معین

صلی اللہ تعالیٰ علیہ وآلہ وسلم کہ فرمودہ آنحضرت نیکی یعنی عمدہ اقسام نیکی بخیر است

وگناه اخیرست که بجلد و اضطراب آورد و نفس تو و کرده داری اینک مطلع بشوند بر دے مردم

روایت کرد این رسالہ اور روایت است از ابیہ پسر معبد رضی اللہ عنہ تعالیٰ عنہ

که دی گفت آدم نزد رسول الله صلی الله تعالی علیه وآله وسلم برای دریافت تحقیق شکی

پس فرمود مرا آندی تا کہ سوال کنی از حقیقت نیکی گفتنم آری پس فرمود فتویٰ بخواه

از دل خود نیکه آغیز است که آرام گیرد بوی نفس و آرام گیرد بوی

دل و گناه آن چیزست که بجلد در نفس واضطرار ببرد و آرد در سینه

۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲
 ۴۸۳
 ۴۸۴
 ۴۸۵
 ۴۸۶
 ۴۸۷
 ۴۸۸
 ۴۸۹
 ۴۹۰
 ۴۹۱
 ۴۹۲
 ۴۹۳
 ۴۹۴
 ۴۹۵
 ۴۹۶
 ۴۹۷
 ۴۹۸
 ۴۹۹
 ۵۰۰
 ۵۰۱
 ۵۰۲
 ۵۰۳
 ۵۰۴
 ۵۰۵
 ۵۰۶
 ۵۰۷
 ۵۰۸
 ۵۰۹
 ۵۱۰
 ۵۱۱
 ۵۱۲
 ۵۱۳
 ۵۱۴
 ۵۱۵
 ۵۱۶
 ۵۱۷
 ۵۱۸
 ۵۱۹
 ۵۲۰
 ۵۲۱

2

وَأِنْ أَفْتَاكَ النَّاسُ حَدِيثَ حَسَنٍ رَوَيْنَاهُ فِي مُسْنَدِي

اگر چه فتوی دهند ترا مردم بگردن آن اینجیبت حسن است روایت کرده شده باینجیبت دوستند

الإمامين أحمد بن حنبل والدارمي بإسنادٍ حسن

دوا نام کی احمد پسر حنبلی و دارمی باسناد حسن

دوا نام یہ اسد پھر بین دوا نام

الْحَدِيثُ الثَّامِنُ وَالْعِشْرُونَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ

حدیث بیست و هشتم روایت است از ابی جحیم

حديث
بيت واهلهم
العياض بن يسار رضى الله تعالى عنه قال وعظ لنا

عربا عن پرساریه رضی اللہ تعالیٰ عنہ کہ گفت چند فرمود مایان را

عربان پر ساری رحمتی علیہ السلام

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَوْعِظَةٌ

رسول اللہ صلی اللہ علیہ
وآلہ وسلم ہندے

يَلِيغَةً وَجَلَّتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ وَذَرَفَتْ مِنْهَا الْعَيُونَ

به کمال رسیده و سخت ترسانند که ترسیدند از آن دلها و آنک بپایریدند از آن چشمها

فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ كَانَتْهُمْ مَوْعِدَةٌ مُؤَدَّعٌ فَأَوْصِنَاكَ

پس گفتیم ای رسول خدا! گو یا که این چند کسے است که دوا کنندہ باشند کہ پس نصیحت فرما یا زافرہ

أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالسَّمْعِ الطَّاعَةِ وَإِنْ

نصیحت می کنم شمارا به بر نیز گاری در رسیدن از غذای عا و بل و بشنیدن و فرمانبرداری حکم امرا و اگر چه

تَأْمُرُ عَلَيْكُمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي سَعْدٍ فَإِنَّهُ مَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ

بالفرض امیر شود بر شما اعلام همیشه پس بدو رسته کسی که میزیدار شما بعد از من

فَسِيرِي اخْتِلَافًا كَثِيرًا فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ

پس بینہ اختلاف بسیار اور مردم پس مآلوقت لازم است بر خفا بگر فتن سدت من و سدت غلیظت

الموافق ١٢

والله اعلم بالصواب

اعتبار از قواسم است بر اقسام

مفتی محمد امجد علی صاحب

سید احمد علی

مجلس

[illegible]

رواه الترمذي وقال حديث حسن الخديث

روایت کرد این را از ترمذی و گفت که این حدیث حسن است حدیث

الْمَلَكُوتُ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ الْحَشَنِي جُرُومُ بْنُ نَاسِرٍ رَضِيَ اللَّهُ

سوام روت است اذا بی ثقلیہ حسنہ جرثوم پسر نامستر رضی اللہ

تَعَالَى عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ

تعالیٰ عنہ کہ دی روایت کرد از رسول اللہ ﷺ فرمود بد رستی

اللَّهُ تَعَالَى قَدْ فَرَضَ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا وَاحِدٌ

خداستعالیٰ ہر آئینہ فرض کرد بر شما فرائض را
پس مشایع مکنید آنها را بترک کردن آنها و تا حیر کرد بشر

حُرِّدَ أَفْلَا تَعْتَدُهَا وَحَرَّمَ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا

حد بار اہس شجہ کمند از انہا و حرام کرد بر شما بطعے حیزہ بار ابن سحرستی کمند انہا بکردن آنہا

وَسَكَتَ عَنْ أَشْيَاءَ رَحْمَةٍ لَّكُمْ مِنْ غَيْرِ نَبِيٍّ فَلَا

و خاموش شد از بعضی چیزها برای رحمت بر شما
 بغیر از فراموشی پس بخت

تَجْتَوِ عَنْهَا حَدِيثُ حَسَنٍ رَوَاهُ الدَّارِقُطْنِيُّ وَغَيْرُهُ

مکنید اما بنا بر این جستجو در آن بسیار مکنید که موجب خلوفی الدین نشود این حدیث حسن است روایت کرد این را در ادب قطنی

الْحَدِيثُ الْحَادِي وَالثَّلَاثُونَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ رَضِيَ

حدیث سے ویم روایت است از ابی العباس

سَهْلُ بْنُ سَعْدٍ السَّاعِدِيُّ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ جَاءَ

سہیل بن سعد ساعدی رضی اللہ تعالیٰ عنہ کہ گفتم آمد

رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

شخصی نزد بعینہ صلی اللہ تعالیٰ علیہ وآلہ وسلم

[illegible]

و علی صاحبین اجمعین
و علی صاحبین اجمعین

کمزور و عجز بنامند و سے مبالغہ است
بسیار چهره نیست کذا قالوا
و گفتند که در مقابل چه
اعزاز و حکمت در
آئین باطنی را به علل
آنیم ثباتش بر لبه

فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ فَذَلِكَ

پس اگر نتواند پس باید که منع کند از زبان خود پس اگر نتواند پس باید که بدو مکره دارد آنرا بدل خود پس این

أَضْعَفُ الْإِيمَانِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ الْحَدِيثُ الْخَامِسُ وَ

ضعیف تر ایمان است روایت گردان رسول

الثَّلَاثُونَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ

روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود رسول

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَا تَحَاسِدُوا وَلَا تَكْجِسُوا

الله صلی الله تعالی علیه و آلہ وسلم حسد مکنید با همدیگر و مبرا مکنید اند کسی با خود و مبرا

وَلَا تَبَاغِضُوا وَلَا تَدَابُرُوا وَلَا يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ

و بعض و کینه مکنید با همدیگر و پشت نگردانید و دشمنی مکنید با همدیگر و بیع بعضی از شما بر بعضی دیگر و

كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ لِيُوَافِقَ الْمُسْلِمَ لِحَوْلِ الْمِسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ

باشید بنده گان خدا برادران با هم دگر مسلم برادر مسلمان است نه ظلم کند بر وی نه دزدی خوار و فرو میگذارد

وَلَا يَكْذِبُ وَلَا يَحْقِرُ التَّقْوَى هُنَا وَلِشَيْءٍ صَدْرُهُ

و نه دروغ میگوید و پر ادا نه حقیر و ذلیل میدارد و دیرا پر میگزارد اینجا است و اشارت میکند آنحضرت بگفتن این لفظ پس

ثَلَاثٌ مَرَّارٍ حَسِبَ أَمْرِي مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ

سه بار یعنی سه بار فرمود که اصل پر میگزاردی در دل است پس است سخنی را از بدی دگناه اینکه خوار و حقیر میدارد او برادر

كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَمَالُهُ وَعَرْضُهُ رَوَاهُ

هر چیز مسلمان بر دیگر مسلمان حرام است خون وی و مال وی و آبروی وی روایت گردان

مُسْلِمٌ الْحَدِيثُ السَّادِسُ وَالثَّلَاثُونَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ

مسلم حدیث ششم روایت است از ابی هریره رضی الله

عَنْهُ

عنه یعنی از آنست که او را قال الله تعالی
عنه یعنی از آنست که او را قال الله تعالی
عنه یعنی از آنست که او را قال الله تعالی
عنه یعنی از آنست که او را قال الله تعالی
عنه یعنی از آنست که او را قال الله تعالی
عنه یعنی از آنست که او را قال الله تعالی
عنه یعنی از آنست که او را قال الله تعالی
عنه یعنی از آنست که او را قال الله تعالی
عنه یعنی از آنست که او را قال الله تعالی
عنه یعنی از آنست که او را قال الله تعالی

دور کردن سیاهی از زمین
لای اوله

درد کمر
درد پهلوی
درد شکم

کودن بادے ۱۲
کے دانی ۱۳

اداکت

اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ

اللہ تعالیٰ غفور رحیم کہ روایت کردار سبب سے اللہ تعالیٰ علیہ وآلہ وسلم کہ فرمود کیسے

نَفْسٌ عَنْ مُّؤْمِنٍ كَرِيْمٍ مِنَ الدُّنْيَا نَفْسٌ لَّهِ تَعَاوَنَهُ كَرِيْمٌ

۱۲۱ داد و ستد بین راد و در کرد از سوسن یک اندوهر از اندوهر است و نیا در کند خدا گفت ای رادوی اندوهر را

مِنْ كَرِيمِ الْقِيَمَةِ وَمَنْ لَيْسَ عَلَامَ عَسْرٍ لَيْسَ رَأَى اللَّهُ عَلَيْهِ الدُّنْيَا

از ابد و ابد روز قیامت و کہ آسانی کند بر صاحب ختم آسانی کند خدا تعالی بر وی در دنیا

وَالْآخِرَةُ وَمَنْ سَتَرَ مُلْكُ اللَّهِ تَعَالَى فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ

و آخرت و کسیکه بپوشد مسلمان را آید و خداوند در آخرت پند از عذاب و فضیلت

اللَّهُ فِي عَمَلِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَمَلِهِ مِنْ خَيْرٍ

خدا استعالی در بر دهنده باشد ما و میکده باشد بنده در بر د و یاری اندر در سلمان عهد و میکده مان شود

طريقاً يُلْتَمَسُ فِيهِ عِلْمٌ سَهْلٌ لِلَّهِ بِطَرِيقِ الْوَحْيَةِ وَاجْتِمَاعِ

رایجی که میخورد در آن راه علم دین را آسان کند خداوندی برای دی سبب آن راه را به سبب و جمع نه شود

قَوْمٌ فِي بَيْتِ هَازِيْمٍ اَللّٰهُ يَتْلُوْنَ كِتَابَ اللّٰهِ وَيَتْلُوْنَ رِسُوْلَهُمْ

میهن قومی در خانه ای خداست که بخواند ایشان در آنجا کتاب خداست که سواد بخوانند از بابی که بگوید و گفته

الآنزلت عليهم السكينة وغشيتهم الرحمة وحفتم الملائكة وذكرنا

مگر انکے نازل شودر ایشان از جانب خدا است و ارام دستی ولی و پیوسته اند ایشان را حمد خدا و گرداگرد ایشان آیند و شکر

هَمْ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ وَمَنْ يَكَابِرْ عَمَلَهُ لَمْ يَسِرْ عَلَيْهِ نَسْبُهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

خدا متعالی اور ان جماعت کزدوی سے از فرشتگان جبرئیل علیہ السلام پس اند جنت اور اعمل وی پیش کنند اور انسبک بنده ص

هَذَا اللَّفْظُ الْحَدِيثُ السَّابِعُ وَالثَلَاثُونَ عَنْ أَبِي عُبَيْسٍ رَضِيَ

ماہنامہ الفاظ حدیث سی و ہفتم رومیت است از ابن عباس رضی

بابین الفاظ حدیث سی و ہفتم

بين القاط

دعوت الیہ زلف
خونہ تیرا بیاں فغان
قرآن یا یہ "اشہ
محمد الحق
صحیفہ فلاں لہم
راہی مقامی مورخین
یہاں لہاں ہے"

[illegible]

اللَّهُ تَعَالَى عَنْهَا كَذِي رُوَيْتُ كَرْدَانِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

اللہ تعالیٰ عنہا کہ دی روایت کرد از رسول خدا صلی اللہ تعالیٰ علیہ و آلہ وسلم

فِيمَا رَوَى عَنْ رَبِّهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ الْحَسَنَاتِ وَ

در آنچه روایت کرد از حضرت از پروردگار خود فرمود و حضرت بدست خدا تعالی نوشته یکی ما را و

السَّيِّئَاتِ ثُمَّ يَأْتِنَ ذَلِكَ مَنْ هُمْ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ

بدی ما را پس از آن بیان فرمود آنرا این چنین پس کسی که قصه کند بکردن یک کار نیک پس نکرد آنرا نویسد

عِنْدَ حَسَنَةٍ كَامِلَةٍ وَأَنْ هُمْ بِهَا وَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ

نزد خود یکی نیکه کامل و اگر قصه کند بکردن نیک و کرد آنرا نویسد آن یک نیک را خدا تعالی نزد خود یکی جزایش

عَشْرَ حَسَنَاتٍ أَلِ سَبْعًا تَضَعُفُ أَلِ اضْعَافٍ كَثِيرَةٍ وَأَنْ هُمْ

ده نیکه تا هفت قصه چند بلکه تا دویست باشد زیاد مد بسیار ازین و اگر قصه کرد

بَسِيئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَ حَسَنَةٍ كَامِلَةٍ وَأَنْ هُمْ

بکردن یک بدی پس نکرد آنرا نویسد آن بدی را خدا تعالی نزد خود یکی نیک کامل و اگر قصه کرد

بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ

بکردن بدی پس کرد آنرا نویسد آن بدی را خدا تعالی یک بدی روایت کرد این را بخاری و مسلم

فِي صَحِيحِهِمَا بِهَذِهِ الْحُرُوفِ فَانْظُرْ يَا أَخِي وَفَقِنِي وَإِيَّاكَ إِلَى

در صحیح خود باین حروف یعنی باین کلمات و الفاظ پس نظر کن ای برادر من تو متنبی خیر و هر خدا تعالی

عَظِيمٍ لَطْفِ اللَّهِ تَعَالَى وَتأملْ هَذِهِ الْأَلْفَاظَ وَقَوْلَهُ عِنْدَهُ

بزرگی و بسیاری لطف خدا تعالی و فکر کن درین الفاظ حدیث و قول خدا تعالی که عنده است

إِشَارَةً إِلَى الْأَعْتَابِ بِهَا وَقَوْلَهُ كَامِلَةً لِلتَّوَكُّيدِ وَشِدَّةَ

اشاره است بسوی اہتمام بآن حسنه و قول دی تعالی کامله براسے تاکید و بسیار

قصه نیکه ثواب نیکه دارد

۲۵

نیک کردن بدی بعد از غنم آن ثواب یک نیک دارد

ان قصه کردن در خدا تعالی

یا اخي

دوستی است با حق تعالی
 با خداوند دوستی با ایشان
 کردن با اولیای الهی
 بهیچکدام از اینها
 اینها در دنیا و آخرت
 مقابله و مقابله
 در این عالم
 در این عالم
 در این عالم
 در این عالم

الْأَعْيُنَاءُ وَقَالَ فِي السَّيِّئَةِ اللَّهُمَّ مَا تَرَكْتُمْ لَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ

ایها عالم هست و فرموده این بدی که قدر کرده است آن پس از آن ترک کرد آنرا ایستاد آنرا خدا تعالی

عِنْدَ حَسَنَةٍ كَامِلَةٍ فَكُلَّهَا بِكَامِلَةٍ وَإِنْ عَمِلَهَا كَتَبَهَا

نزد خود یک نیکی کامل پس تا کبیر کرد آنرا بحال عده و اگر کرد آن بدی را اولیست آن را

اللَّهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً فَكُلَّهَا بِكَامِلَةٍ وَلَمْ يَكُنْ بِكَامِلَةٍ

خدا تعالی یک بدی پس تا کبیر کرد آن بدی را یک تا کبیر کرد آن بدی را بحال عده چنانچه فرموده است

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ وَالْمِنَّةُ بِحَمْدِهِ وَتَعَالَى عَنْهُ شَاءَ عَلَيْهِ وَاللَّهُ

پس خاص خدا تعالی رحمت ستایش و حسان یکی است مراد او بلند است می شود نشود شایر وی و خاص خدا

التَّوْفِيقُ الْحَدِيثُ الثَّامِنُ وَالثَّلَاثُونَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

ست توفیق حشر حدیث سی و هشتم روایت است از ابهریره

رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ مَنْ عَادَ لَوْ لِيَا فَقَدْ

علیه و آل و سلم ایستاد برستی خدا تعالی فرمود کسی که دشمنی کند با دوست من پس بدستی

أَذْنَتْهُ بِالْحَرْبِ مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدٌ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ

چیز کردم ویرا بجنگ کردن یعنی با من و نزدیک می کرده من نه من هیچ چیز یک دوست تر باشد نزد من از آنچه فرض

عَلَيْهِ وَمَا يَزَالُ عَبْدٌ تَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أَجِيبَهُ

بر وی و همیشه بنده من نزدیکی میکند من بکردن نوافل و عبادات مستحبیه تا آنکه دوست گیرم ویرا

فَإِذَا أَحْبَبْتَهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ بَصَرَهُ الَّذِي

پس وقتی که دوست گیرم ویرا با سم من گوش وی آنکه می بیند و بوی و با سم چشم دس آنکه

دوستی است با حق تعالی
 با خداوند دوستی با ایشان
 کردن با اولیای الهی
 بهیچکدام از اینها
 اینها در دنیا و آخرت
 مقابله و مقابله
 در این عالم
 در این عالم
 در این عالم
 در این عالم

دوستی است با حق تعالی
 با خداوند دوستی با ایشان
 کردن با اولیای الهی
 بهیچکدام از اینها
 اینها در دنیا و آخرت
 مقابله و مقابله
 در این عالم
 در این عالم
 در این عالم
 در این عالم

دوستی است با حق تعالی
 با خداوند دوستی با ایشان
 کردن با اولیای الهی
 بهیچکدام از اینها
 اینها در دنیا و آخرت
 مقابله و مقابله
 در این عالم
 در این عالم
 در این عالم
 در این عالم

عالمین نقد حال وی باشد ز جبهه اش این است
 باز هم بنده صدق
 نیکوای محمد صلی الله تعالی علیه و آله و سلم بدستی
 ناز من در توانی و عبادت من از دنیا من و
 اذن من این همه برای خداست که بگوید کار عالم
 است یزدانم کارها من و حیات و مرگ
 من در صحنی موزن است جل و علی شان
 چنانکه گفته اند در وصال و بحر و پادشاه
 رخصت دوست طلب که حیف باشد از غیر
 و این تنای بد من محمد بن بابا از خود بخون
 سلامه علیه و سلم من احب مردم
 دست عاقبت کار با خداوند دست در خام

یعنی تا آنکه بر او فوایدش
نفسانی و دنیاوی و شریعت
مدین من نشود و من کامل
نگردد

کون کامل الوقت شود
که بکلی نفسانی و دنیایی
تا به شریعتی نگردد

۳۸

و دعا و تضرع و زاری با سید
اجابت و خجاست و سبب طلب
استغفار و توبه و توبه
مغفرت و توبه است

فَلَا تَنْتَظِرِ الْمَسَاءَ وَخُلْ مِنْ صِحَّتِكَ لِمَرْضِكَ وَمِنْ حَيَاتِكَ

پس کن انتظار شام را و بگذر توشت از صحت خود براس بیماری خود و از زندگی خود

لِمَوْتِكَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ الْحَدِيثُ الْكَادِي وَالْأَرْبَعُونَ عَنْ أَبِي

برای مرگ خود روایت کرد این را بخاری حدیث چهل و یکم روایت است از ابی

مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُمَا قَالَ قَالَ

محمد عبد الله بن عمرو بن عاص رضی الله تعالی عنهما که گفت فرمود

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَا يَوْمُ مِنْ أَحَدٍ كَمَحْنَةٍ

رسول خدا صلی الله تعالی علیه و آله وسلم ایمان من آر دیکه از شما بقیه ایمان کامل

يَكُونُ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ حَدِيثٌ صَحِيحٌ رَوَيْنَاهُ فِي كِتَابِ

تا آنکه شود هوای نفسانی وی تابع برای آنچه من آمده ام بآن آنچه حدیث صحیح است روایت کرده شده ایم از او در کتاب

الْحِجَّةِ يَأْسِنَا صَحِيحُ الْحَدِيثِ الثَّانِي وَالْأَرْبَعُونَ عَنْ النَّبِيِّ

حجّه با سناد صحیح حدیث چهل و دوم روایت است از انس

رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ

رضی الله تعالی عنه که گفت شنیدم رسول الله صلی الله تعالی علیه

وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ مَا

داده و سلم را که میفرمود اینک فرموده است خداوند تبارک و تعالی ای پسر آدم بدرستی تو را دادم

دَعَوْتِي فِي رَجَوْتِي غَفَرْتُ لَكَ ذُنُوبَكَ عَلَى مَا كَانَ فِيكَ وَلَا

بخوانی مراد سوال کنی از من و امید کنی از من بیاورم برای تو گناهان ترا هر آنچه باشد در تو دادم و گفتم

أَبَايَا ابْنَ آدَمَ لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَ

در آن ای پسر آدم اگر برسد گناهان تو به کمانه آسمان پس از آن طلب آمرزش کنی از من

de Smid 16104 de 17/11/2023/16/11/2023 01:20:11 17:07